

دوفصلنامه مطالعات فرهنگی قرآن

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

تفسیر تطبیقی (مقارنه‌ای) آیه جهاد کبیر از منظر فریقین

حمید مروجی طبسی^۱، محمدعلی رضایی اصفهانی^۲، رحمان عشریه^۳
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۳)

چکیده

تفسیر تطبیقی یا مقارنه‌ای از آیه «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲) که به بررسی دیدگاه‌های مفسران فریقین پیرامون آیه جهاد کبیر می‌پردازد، مسئله اصلی این پژوهش است؛ از آنجا که آرای مفسران فریقین در تفسیر این آیه، مخالفت قابل توجهی با یکدیگر ندارند، نظرات آنان مکمل یکدیگر تلقی می‌شود. این تحقیق بر اساس تفاسیر فریقین نشان داد: مراد از جهاد در آیات مکی، هرگونه تلاش، کوشش و مبارزه است. ضمیر در واژه «به» از سویی به جمله «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ» و از سوی دیگر به قرآن کریم بازگشت

۱. دانشجوی دکترای دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم/ دانشکده تفسیر و معارف قرآن کریم. (نویسنده مسئول)

رایانامه: hamrt62@yahoo.com

۲. استاد و هیئت علمی مدعو دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

رایانامه: rezaee@quransc.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

رایانامه: oshryeh@quran.ac.ir

دارد. از تفسیر واژه «کَبِیراً» مطالبی همچون چرایی نام‌گذاری این نوع از جهاد به جهاد کبیر، مراد از جهاد کبیر، نحوه انجام و ویژگی‌های آن قابل دستیابی است. این یافته‌ها که از آموزه‌های قرآن کریم و برداشت‌های مفسران فریقین استخراج شده، مشخص می‌کند که قرآن کریم با رویکرد عدم اطاعت از کافران، باید ابزار انجام جهاد کبیر باشد و مجاهدان عرصه‌های غیرنظامی می‌بایست در راه مبارزه با دشمنان، با استخراج و طرح نظریات مورد نیاز جامعه اسلامی، با بهره‌گیری از اصول و مبانی فوق، گام بردارند.

در این تحقیق از روش‌های تحقیق موضوعی درون‌قرآنی و مطالعات تطبیقی برای رسیدن به مقصود استفاده شده است. هدف از انجام این پژوهش، اولاً بررسی نظرات مفسران فریقین در موضوع ایستادگی در برابر دشمنان تحت عنوان جهاد کبیر و نمایش عدم مخالفت جدی آنان با این مسئله است و ثانیاً به دنبال ارائه نتایج تحقیق به آحاد جامعه اسلامی و مسئولان آن است تا در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مبنای عمل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تفسیر تطبیقی، جهاد کبیر، آیه ۵۲ سوره فرقان، آیه جهاد کبیر.

مقدمه

پنجاه و دومین آیه از بیست و پنجمین سوره قرآن کریم، «آیه جهاد کبیر» است که در آن، ضمن دستور به عدم اطاعت از دشمنان، امر به انجام جهاد کبیر با آنان شده است: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲). مفسران فریقین در تعیین دو مسئله از این آیه تلاش بیشتری داشته‌اند: یکی تعیین مرجع ضمیر در واژه «به» و دیگری کشف مراد الهی از نحوه انجام «جهاد کبیر». تحقیق

حاضر در قالب استخراج و ارائه نظرات مفسران فریقین پیرامون این دو مسئله از آیه جهاد کبیر، سعی در تبیین و گسترش این فرهنگ قرآنی و اسلامی دارد؛ همچنین ثمره این تلاش می‌تواند آحاد جامعه اسلامی و مسئولان را یاری نماید تا اصل جهاد کبیر را در تصمیم‌سازی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مناسب، مبنای عمل قرار دهند. با توجه به مکی بودن سوره فرقان، سیاق آیات مکی و عمومیت جهاد در آیه مد نظر، جهاد کبیر چنین تعریف می‌شود: بسته کامل و جامعی از راهکارهای غیرنظامی مقابله با دشمنان که جامعه اسلامی را در برابر هرگونه تهاجم و تسلط غیرنظامی، مصون می‌سازد.

تحقیق حاضر، مبتنی بر قرآن کریم به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که اشتراک‌ها و تمایزهای آرای مفسران شیعی و اهل تسنن پیرامون جهاد کبیر چیست؟ همچنین تلاش دارد با استخراج معنای قرآنی جهاد کبیر و نحوه انجام آن، نتایج حاصل را به مسئولان جامعه و عموم امت اسلامی در دنیای کنونی که از هر سو مورد تهاجم‌های غیرنظامی دشمنان دین الهی قرار گرفته‌اند، ارائه نماید تا بتوانند با الگوگیری از دستورات قرآن کریم، به تحقق برتری دین مورد رضایت خداوند که همان اسلام است، بر همه ادیان و مکاتب بشری و غیر بشری مدد رسانند. این هدف در صورتی محقق می‌شود که بر پایه «قرآن مجید» به «عدم اطاعت از کافران» به عنوان یک رویکرد کلی برای انجام جهاد کبیر نگریسته شود و آموزه‌های قرآن کریم در این مسیر مورد استفاده قرار گیرد. این مقاله برای دستیابی به هدف خود، اکثر منابع تفسیری فریقین را بررسی نمود تا آرای کلی مفسران، گردآوری، دسته‌بندی و ارائه شود.

پیشینه

از آنجاکه محل بحث این تحقیق، آیه‌ای از آیات قرآن کریم است، طبیعتاً شرح و تفسیر آن هم‌زمان با نزول آیه، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ اما به‌صورت

خاص، منابع مکتوب موجود در این خصوص به شرح ذیل به‌عنوان پیشینه این تحقیق معرفی می‌شود:

کتاب‌ها

۱- جهاد کبیر، صورت‌بندی مفهومی عدم تبعیت از دشمن در

جمهوری اسلامی ایران، اثر مهدی سیاوشی و سید مهدی موسوی‌نیا؛ در بخش اول کتاب، موضوع تبعیت از دشمن و تاریخچه نفوذ به عنوان اولین حربه جریان استعمار برای تبعیت از آنان پژوهش شده و در دومین بخش به موضوع جهاد کبیر در علوم انسانی پرداخته شده است. مشخص است که این مطالب به عنوان تفسیر آیه جهاد کبیر محسوب نمی‌شود.

۲- جهاد کبیر: اطاعت نکردن از دشمن، اثر محسن مطلبی جوقنانی؛ این

اثر به مفهوم‌شناسی جهاد و توضیح انواع جهاد، شاخص‌های اصلی، ابزارها و الزامات جهاد کبیر با دو عنوان دشمن‌شناسی و بصیرت‌افزایی پرداخته و ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن را تعیین کرده است. این اثر نیز تفسیر آیه جهاد کبیر را مد نظر قرار نداده است.

۳- اقتصاد مقاومتی: تفسیر جهاد کبیر، اثر اکبر ابدالی محمدی؛ در این کتاب

سعی شده محتوای لازم برای مبلغان اقتصاد مقاومتی فراهم شود و از آنجا که مؤلف، مشکل اصلی اقتصاد مقاومتی را فرهنگی دانسته، بر مسائل فرهنگی و تاریخی تأکید زیادی داشته است. این نوشته نیز با رویکرد اقتصادی خود، به دنبال تبیین و تفسیر آیه جهاد کبیر نبوده است.

۴- جهاد کبیر: مبانی دیپلماسی انقلابی از منظر قرآن کریم، اثر عباس

عبداللهی؛ این کتاب از یک مقدمه، یک پیشگفتار، چهار بخش: کلیات، مواجهه

«توحیدی» با استکبار، بعثت انبیای الهی و رویارویی با جبهه معارضین، اصل «ولایت» و رابطه با جبهه استکبار و یک ضمیمه تحت عنوان «سند راهبردی و پراهمیت پیام قبولی قطعنامه ۵۹۸ از امام خمینی رحمه الله» سامان یافته است. این سرفصل‌ها نشان می‌دهد تفسیر آیه جهاد کبیر در این اثر نیز انجام نشده است.

۵- جهاد کبیر در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (مبانی، مفاهیم و الزامات)، اثر سید مهدی علوی و پژمان پورجباری؛ این اثر بر اساس بازخوانی سخنرانی رهبر معظم انقلاب در خردادماه ۱۳۹۵ و تشریح جهاد کبیر در تبیین عدم اطاعت و تبعیت از دشمنان نظام اسلامی ایران سامان یافته است. رویکرد این اثر تبیین مفهوم جهاد کبیر با تکیه بر سخنان مقام معظم رهبری بوده و به طور خاص به تفسیر آیه جهاد کبیر پرداخته است.

۶- جهاد کبیر؛ دست ردی بر سینه دشمن، اثر محققان مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی؛ این کتاب به تعریف مفاهیم جهاد و جنگ و تعیین چهار نوع جهاد صغیر، اکبر، فی سبیل الله و ابتدایی، چیستی و شناخت جهاد کبیر و بیان انواع جهاد کبیر پرداخته است. این کتاب نیز آیه جهاد کبیر را تفسیر نکرده است.

مقالات با موضوع جهاد کبیر

۱- راهبرد جهاد کبیر در اندیشه امام خامنه‌ای (دام‌ظله)، اثر علی اصغر نصیری؛ نویسنده در این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این مسئله است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، جهاد کبیر به چه معناست و چه ابعاد و کاربردی دارد.

۲- جهاد؛ مقوله‌ای فرهنگی- اعتقادی در چارچوب سبک زندگی

اسلامی، اثر محمد جانی‌پور و محمدرضا ستوده‌نیا؛ در این مقاله، ضمن گونه‌شناسی انواع مختلف جهاد در دین مبین اسلام نتیجه گرفته شده که این مفهوم همواره به مثابه راهبردی عام، مطلق و نرم‌افزاری در راستای تأسیس، تثبیت و تداوم سبک زندگی اسلامی مطرح شده و در این راستا مصادیق متعددی پیدا کرده است.

۳- سازه مفهومی «جهاد کبیر» در گفتمان سیاست خارجی مقام

معظم رهبری، اثر علیرضا صحرایی؛ نویسنده در این مقاله معتقد است جهاد کبیر به عنوان یک راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی اولاً دارای یک هویت گفتمانی است که به صورت یک پادگفتمان در برابر گفتمان نفوذ مطرح شده و ثانیاً دارای یک کاربرد هویت‌بخشی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سطح نظام بین‌الملل است.

۴- چیستی جهاد کبیر و نسبت آن با عدم اطاعت از کافران، اثر

محمدرضا بخشی؛ مسئله اصلی نویسنده، تبیین چیستی مفهوم جهاد کبیر در قرآن کریم و بررسی نسبت آن با عدم اطاعت از کافران بوده است.

۵- جهاد کبیر و نقش آن در صیانت از انقلاب اسلامی، اثر علی سعیدی

شاهرودی؛ از نگاه مؤلف، جهاد کبیر دربرگیرنده دو جهت است: یکی، اطاعت نکردن از دشمن و دیگری، تلاش، مبارزه و جهاد در عرصه‌های سیاسی، علمی، اقتصادی و فرهنگی.

۳. پایان نامه‌ها

۱- مفهوم‌شناسی جهاد کبیر از دیدگاه قرآن و سنت و بازشناسی عرصه‌ها و کارکردهای آن در جامعه اسلامی؛ توسط طیبیه سادات موسوی در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم برای مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۶ طی ۱۴۸ صفحه.

۲- جهاد کبیر و راهکارها و موانع تحقق آن در قرآن کریم؛ توسط محمدرضا بخشی در دانشگاه امام صادق علیه السلام، برای مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۶.

۳- بررسی تجلی و تحقق جهاد کبیر در قیام امام حسین علیه السلام؛ توسط برزو امیری‌نیا در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، برای مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۶.

از بررسی آثار فوق و مجموع آن مطالب، چنین نتیجه‌گیری می‌شود: گرچه تحقیقات متعددی در موضوع جهاد کبیر انجام شده و هر کدام از زاویه‌ای و با گرایش‌های این مسئله را بررسی نموده‌اند، اما هیچ‌یک از آنها به طور خاص به تفسیر تطبیقی آیه جهاد کبیر نپرداخته‌اند؛ بنابراین تحقیق حاضر در نوع خود، مشابه ندارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تفسیر تطبیقی

دو شیوه مشهور «ترتیبی» و «موضوعی» در تفسیر قرآن کریم وجود دارد. برخی از محققان نوع دیگری از تفسیر را در کنار این دو شیوه مشهور، تحت عنوان تفسیر تطبیقی یا مقارن مطرح کرده‌اند، (نजारزادگان (محمدی)، ۱۳۸۳ش، ۱۳) هرچند عده‌ای از اندیشمندان بر این باورند که این روش تفسیری، ذیل تفسیر موضوعی و

از اقسام آن است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ۴۵/۱). مطالعات تطبیقی قرآن شامل تطبیق بین موضوعات قرآن و کتب مقدس دیگر یا تطبیق بین تفاسیر شیعه و اهل سنت یا شیوه تطبیقی بین موضوعات مشترک میان قرآن مجید و علوم روز است و به روشن شدن زوایای مجمل آیات و تولید علم منتهی می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰ش). پس تفسیر تطبیقی را می‌توان از روش‌های هر دو شیوه تفسیر ترتیبی و موضوعی دانست؛ به عبارت دیگر، هر دو نوع تفسیر را می‌توان به صورت مقارنه‌ای و تطبیقی انجام داد.

از نظر برخی اندیشمندان، تفسیر تطبیقی، روشی برای کاربردی کردن تعالیم قرآن و به تعبیر دیگر، تطبیق تعالیم و دستورات کلی قرآن به زندگی انسان معاصر است. این گونه تفسیر، فهم مقدمه‌ای برای بهره‌گیری و نتیجه‌گیری هدایتی مناسب با شرایط زمانی و مکانی است و فایده‌اش آن است که افراد را آماده پیامی می‌کند که مناسب با ظروف کلی یا خاص نوشته شده است (خرمشاهی، ۱۳۸۱ش، ۶۴۱/۱). تفسیر تطبیقی در این تحقیق به معنای بررسی، رفع ابهام و کاربردی کردن تعالیم آموزه‌های قرآن کریم در آیه جهاد کبیر (فرقان، ۵۲) با عنایت به آرای تفسیری مفسران فریقین است.

۲-۱. جهاد کبیر

۱-۲-۱. جهاد

واژه جهاد از ریشه جَهَد یا جُهد به معنی مشقت و سختی، (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳۳/۳) نیرو و توان، (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴۸۶/۱) تلاش و کوشش بسیار در راه رسیدن به هدف (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۱۱۲) است. این کلمه به شکل صیغه مبالغه مفهوم جنگ با کفار (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ۳۱۹/۱) را در خود جای داده است. در اصطلاح قرآن کریم و عرف مسلمانان، جهاد فقط جنگ بر ضد کفار و مشرکان است

و بر فعالیت‌های رزمی و نظامی کفار و مشرکان، چه در میان خودشان باشد یا علیه مسلمانان، اطلاق نمی‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ش، ۲۳).

۲-۱-۲. کبیر

کبیر از ریشه کبر گرفته شده و معنای «بزرگی» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۵/۱۲۶) دارد. این واژه از اسمای الهی و به معنی عظیم‌القدر است و در غیر خدا، معنی رئیس و رهبر دارد (قرشی، ۱۳۷۱ش، ۶/۷۲-۷۳).

۳-۱-۲. جایگاه جهاد کبیر در ادبیات دینی (انواع جهاد)

از توجه در ادبیات دینی پنج نوع جهاد قابل استخراج و ارائه است که جهاد کبیر نیز یکی از آنهاست:

اول) جهاد اصغر درباره جنگ نظامی با دشمنان؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به گروهی از مسلمانان که از جنگ بازمی‌گشتند، فرمودند: «آفرین بر آنان که جهاد اصغر را به انجام رساندند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۱۲).

دوم) جهاد کبیر یا جهاد فرهنگی (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۶/۱۵۰) که در برابر انحرافات، کژی‌ها، وسوسه‌ها و سفسطه‌های دشمنان انجام می‌گیرد. از این جهاد، در آیه ۵۲ سوره فرقان نام برده شده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده شد با تکیه بر قرآن و رویکرد عدم اطاعت از کافران با دشمنان جهاد کبیر انجام دهد.

سوم) جهاد اکبر یا مبارزه با نفس که ایستادن در برابر خواسته‌های نامشروع و تمایلات غیر منطقی نفسانی است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از تحسین مجاهدان عرصه نظامی، آنان را تذکر می‌دهد که جهاد اکبر باقی مانده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۱۲) و در پاسخ به این پرسش که «آیا جهادی بالاتر از جهاد نظامی وجود

دارد؟» فرمود: «بله جهاد انسان با نفس خویش» (منسوب به علی بن موسی، ۱۴۰۶ق، ۳۸۰).

چهارم) جهاد اوسط: آیت‌الله جوادی آملی به تبعیت از سید حیدر آملی، قسمی از جهاد را تحت عنوان جهاد اوسط مطرح کرده‌اند. از نظر ایشان، جنگ با هوس و درهم کوبیدن غریزه‌ها، جهاد اوسط است، اما جهاد اکبر جهاد علیه علم و اندیشه است که انسان در آن، شوق، عشق و محبت را بر عقل، فهم و علم عادی و بشری حاکم می‌کند (جوادی آملی، (ب) ۱۳۸۹ش، ۲۱۳/۶).

پنجم) جهاد افضل: جست‌وجو در میان روایات، این نتیجه را به دست می‌دهد که برخی امور به عنوان برترین جهاد معرفی شده است: اول مجاهدت با نفس (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۳۳۸)؛ دوم عدالت‌پیشگی در برابر حاکمان ستمگر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۰/۵)؛ سوم پرهیز از اندیشه ظلم و ستم به دیگران (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶۲/۱۵)؛ چهارم روزه‌داری در فصل گرما (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۵۶/۹۳) و پنجم انتظار فرج (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۳۷). چهار مورد اول در حیطه جهاد نفس قرار می‌گیرند و از «جهاد اکبر» به شمار می‌روند؛ در نتیجه مراد از جهاد افضل در این قسمت، انتظار فرج است؛ انتظاری که در روایات دیگر به عنوان دوست‌داشتنی‌ترین امور نزد خداوند سبحان (همان، ۱۰۶) و از برترین عبادات (همان، ۲۰۱) معرفی شده است.

از میان انواع جهاد، سه نوع جهاد اصغر، کبیر و اکبر در ادبیات دینی مشهور شده است (انصاریان، بی‌تا، ۱۶۷/۶)؛ همچنین فقط «جهاد کبیر» را قرآن کریم مطرح نموده و جهاد اصغر، جهاد اکبر و جهاد افضل، شاهد روایی دارند و اصطلاح جهاد اوسط نیز توسط دانشمندان قرآنی ایجاد شده است.

۴-۲-۱. پیدایش و گسترش اصطلاح جهاد کبیر به معنای خاص آن

بدیهی است که اصطلاح قرآنی جهاد کبیر از سوی خداوند متعال پدید آمده؛ اما طبق بررسی‌های انجام شده در میان مفسران فریقین، این اصطلاح به مفهوم خاص آن تا سده چهاردهم رواج نداشته است. اولین مفسری که به مفهوم این اصطلاح عنایت داشته و در بخش‌های مختلفی از تفسیر خویش از آن بهره برده، سید بن قطب از مفسران اهل تسنن در تفسیر «فی ظلال القرآن» بود؛ وی غیر از تفسیر آیه جهاد کبیر، ذیل آیه دوم از سوره اعراف (شاذلی، ۱۴۱۲ق، ۳/۱۲۵۵)، آیات ۱۷ تا ۲۴ سوره هود (همان، ۴/۱۸۶۴)، آیات ۲۵ تا ۴۰ سوره هود (همان، ۱۸۹۴) و مقدمه تفسیر سوره حجر (همان، ۲۱۲۱) به اصطلاح جهاد کبیر عنایت داشته و از آن استفاده نموده است.

در قرن پانزدهم که رواج اصطلاح جهاد کبیر در آن رخ داده، ابتدا آیت‌الله مکارم شیرازی در «تفسیر نمونه» بحث‌هایی در خصوص جهاد کبیر داشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۵/۱۳۱) و پس از آن، تفاسیر ذیل از این اصطلاح استفاده کرده‌اند: «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم» (طنطاوی، بی‌تا، ۱۴/۲۰۵ و ۴۸۰)، «تفسیر نور» (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ۶/۲۶۸-۲۶۹)، «تفسیر موضوعی قرآن کریم: سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن» (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ۸/۳۰۰) و «تفسیر حکیم» (انصاریان، بی‌تا، ۶/۱۶۷).

در سال‌های اخیر نیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) به این مفهوم عنایت داشتند؛ ایشان طی چهار سخنرانی در سال ۱۳۹۵ به جهاد کبیر، ابعاد و عرصه‌های آن اشاره کردند. با طرح این مباحث توسط معظم‌له، موج وسیعی در میان محققان جهت تبیین جهاد کبیر، ابعاد و نقش آن در جامعه ایجاد شد.

۲. شرح و تفسیر عبارات و اصطلاحات موجود در آیه جهاد کبیر

۲-۱. عدم اطاعت از کافران

اولین فرمان آیه جهاد کبیر (فرقان، ۵۲)، عدم اطاعت از کافران است: «فَلَا تُطِعْ». واژه اطاعت از ریشه «طوع» به معنی نرم شدن و فرمان برداری (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۲۴۰/۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲۰۹/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ۱۴۲) و میل و رغبت (قرشی، ۱۳۷۱ش، ۲۴۹/۴) است که سه قید رغبت، خضوع و عمل بر اساس فرمان (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۱۶۵/۷) را در خود جای داده است؛ به عبارت دیگر کسی که اطاعت می‌کند، با کمال میل، امر فرمانده را انجام می‌دهد و در نتیجه در برابر وی کرنش به خرج داده است.

در برخی از آیات قرآن کریم، به اطاعت از خدا و رسول (آل عمران، ۳۲ و...) و در مرحله بعد، به اطاعت از ولی امر (نساء، ۵۹) دستور داده و از سوی دیگر از اطاعت برخی افراد و گروه‌ها نهی شده است. شیاطین (انعام، ۱۲۱)، کافران و منافقان (فرقان، ۵۲ و احزاب، ۱ و ۴۸)، غافلان (کهف، ۲۸)، گناهکاران (انسان، ۲۴)، تکذیب‌کنندگان حق (قلم، ۸)، افراد خوار و پست (قلم، ۱۰)، طغیان‌گران (علق، ۱۹)، والدین مبتلا به شرک (عنکبوت، ۸) و مسرفان (شعراء، ۱۵۱) کسانی هستند که فرمان‌بری آنان مردود شمرده شده است.

قرآن کریم، نتیجه اطاعت از خدا و رسول صلی الله علیه و آله را رسیدن به نتیجه واقعی اعمال بدون کاهش پاداش آنها دانسته (حجرات، ۱۴) و عاقبت جایگزینی اطاعت از بزرگان قوم با اطاعت از خدا و رسول صلی الله علیه و آله را گمراهی و عذاب (احزاب، ۶۴-۶۷) دانسته است. در جای دیگر، نتیجه اطاعت از کسانی که از حدس و گمان پیروی می‌کنند، گمراهی از راه حق (انعام، ۱۱۶) و ثمره اطاعت از گروهی از اهل کتاب که کارشان نفاق‌افکنی و شعله‌ور ساختن آتش کینه بود را

بازگشت به کفر (آل عمران، ۱۰۰) خوانده است؛ همچنین نتیجه اطاعت از کافران، زیان کاری و بازگشت به دوران جاهلی مطرح شده است (آل عمران، ۱۴۹).

۱-۱-۲. عدم اطاعت از کافران در آیه جهاد کبیر از منظر مفسران

فریقین

برخی از مفسران، عدم اطاعت امت اسلامی از کافران را به خواست آنان نسبت به پیروی از دین پدرانیشان که شرک و بت پرستی بوده، معنا کرده‌اند (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ۳۶۵/۶؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش، ۸۰۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۹۴/۴؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۱۴۰/۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۵/۱۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ۱۱۷/۸).

مطابق نظر عده‌ای از مفسران فریقین، خروج از اطاعت فرامین الهی و همچنین ترک رسالت و پیامبری توسط حضرت محمد صلی الله علیه و آله، خواسته کافران بوده است (طوسی، بی‌تا، ۴۹۸/۷؛ مغنیه، بی‌تا، ۴۷۶؛ ابن‌ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق، ۷۷؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ۷۴/۱۹؛ آل سعدی، ۱۴۰۸ق، ۶۹۲).

تعداد قابل توجهی از مفسران، معنای فرمان «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ» (فرقان، ۵۲) را عدم سازش با کافران و پرهیز از موافقت، همراهی و همکاری با آنان دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ۴۹۸/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۲۲/۱۵؛ قرائتی، ۱۳۸۳ش، ۲۶۸/۶؛ دخیل، ۱۴۲۲ق، ۴۸۱؛ ابن‌عجیه، ۱۴۱۹ق، ۱۰۸/۴؛ مراغی، بی‌تا، ۲۵/۱۹-۲۶؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق، ۱۳۶/۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ۸۴/۱۹؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۱۴۰/۷).

هوا و هوس، خواسته‌های پست، دعوت به خرافات و وعده‌های پوچ کافران از معانی عدم اطاعت از کافران در آیه جهاد کبیر است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۳۴۲-۳۴۳؛ فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق، ۱۰۲/۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ۳۶۴).

گنابادی، ۱۴۰۸ق، ۱۴۵/۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ۷۸۱/۲؛ طنطاوی، بی‌تا، ۲۰۸/۱۰.

عده زیادی از مفسران فریقین فرمان عدم اطاعت از کافران در آیه جهاد کبیر را پرهیز از هرگونه تن دادن به خواسته‌های کافران دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ۴۹۸/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲۷۳/۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱۹/۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ۵۷۹/۴؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ۴۱۵/۲؛ شبر، ۱۴۱۲ق، ۳۵۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۴۷۵/۵؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ۶۳۵/۹-۶۳۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲۸۶/۳؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ۴۸/۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۴۵۲/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۵۸/۱۳).

اگر به‌ظاهر آیه جهاد کبیر بسنده شود، باید گفت در این آیه، فرمان سرپیچی از خواسته‌های کافران و جهاد با آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شده است؛ اما چنانچه این فرمان در کنار آموزه‌های سایر آیات قرآن کریم قرار گیرد: اولاً خطاب به همه مسلمانان امر به اطاعت و تبعیت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و نهی از فرمان‌بری خواسته‌های کافران شده، ثانیاً نسبت به عاقبت اطاعت از کافران که همان زیان‌کاری و بازگشت به دوران جاهلی است، تذکر داده شده، ثالثاً امت اسلامی از مخالفت با پیامبر صلی الله علیه و آله نهی شده‌اند و نتیجه مخالفت با آن حضرت صلی الله علیه و آله، گرفتار آمدن در رنج و عذاب بیان شده، رابعاً مخالفت مسلمانان با شرکت در جهاد نکوهش شده و در چندین آیه به مخالفان حضور در لشکر پیامبر صلی الله علیه و آله برای جهاد با مال یا نفس، تذکر داده شده است. پس فرمان عدم اطاعت از هرگونه خواسته‌های مادی و معنوی کافران و انجام جهاد با آنان، رویه کلی خداوند سبحان است که با ادبیات مختلف در سراسر قرآن کریم نسبت آنها دستور داده است.

۲-۲. کافر

این واژه از ریشه «کفر» دارای معانی گوناگونی از جمله بی‌ایمانی، ناشکری، پوشش، (فراهِیدی، ۱۴۰۹ق، ۳۵۶/۵-۳۵۷) سرپیچی، شب (صاحب، ۱۴۱۴ق، ۲۵۰/۶-۲۵۱) و کشاورزی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴۶/۵) است. کفر در قرآن کریم نیز معانی مختلفی دارد: انکار یگانگی خداوند، انکار و نپذیرفتن دلیل، انکار نعمت و بیزاری جستن (بلخی، ۱۳۸۰ش، ۸۴-۸۵؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ۷۱۴-۷۱۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۸۸/۱۰-۹۱). به تعبیر برخی محققان، کلمه کافر در اصطلاح قرآن، به هر غیرمسلمانی گفته نشده؛ بلکه قرآن کسانی را کافر نامیده که بعد از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله با وجود آشکار شدن حقیقت، با دعوت ایشان مخالفت کردند، هرچند گاهی کفر در قرآن، چهره مقدس به خود می‌گیرد و در مورد جبهه‌گیری در مقابل باطل به کار می‌رود (مطهری، ۱۳۷۵ش، ۱۴۴).

از ریشه کفر، شش مرتبه در سوره فرقان استفاده شده که جز در یک مورد که به معنی ناسپاسی است، (فرقان، ۵۰) بقیه موارد معنای انکار دارد (فرقان، ۴، ۲۶، ۳۲، ۵۲ و ۵۵).

۲-۲-۱. معنای کافر در آیه جهاد کبیر از منظر مفسران فریقین

در آیه جهاد کبیر (فرقان، ۵۲) صیغه جمع از واژه کافر استفاده شده «الْكَافِرِينَ»؛ این مفهوم در آیه جهاد کبیر را طبق دو نکته ذیل، می‌توان در هر زمان و مکان به معنای دشمنان فعال آن دوره یا مکان دانست که خداوند سبحان، عدم پذیرش خواسته‌های آنان را به همه امت اسلامی فرمان داده است:

یکم. قاعده عمومیت لفظ: العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۲۶۱/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱۲۳/۱)؛ طبق این قاعده هر فرد یا گروهی که

ویژگی‌های کافران را داشته باشد، در دایره آن می‌گنجد و در هیچ دوره و مکانی نباید از آنها پیروی شود. پس این واژه منحصر به کافران عصر نزول قرآن نیست.

دوم. سیاق سوره فرقان: با توجه به محتوای سوره فرقان، واژه کافر در آیه جهاد کبیر که بنا بر سیاق به عدم اطاعت از آنان امر شده، جز به معنی دشمنان و منکرانی که خواسته‌های نفسانی خویش را دنبال می‌کنند و مطالبات نادرست دارند، نیست.

پس کافر در این تحقیق به معنای کلی «دشمن فعال علیه منافع جامعه اسلامی» تعریف می‌شود؛ چه اینکه بر اساس آیات قرآن کریم، کافران برای جامعه اسلامی دشمنان آشکاری هستند (نساء، ۱۰۱). بر پایه این اصل، کافران و دشمنان در این متن، به یک مفهوم خوانده شده‌اند.

۳. جهاد

۳-۱. مفهوم جهاد در آیات مکی

لفظ جهاد و مشتقات هم‌معنای آن در سی آیه از قرآن کریم به کار رفته؛ اما تنها پنج مورد از آنها در سه سوره مکی آمده است. برای درک بهتر مفهوم جهاد در آیه ۵۲ از سوره فرقان که سوره‌ای مکی است، در این بخش به بررسی آیات پنج‌گانه مذکور در سوره‌های فرقان، لقمان و عنکبوت پرداخته می‌شود. در گزارشی که در کتاب تفسیر تنزیلی آمده، این سوره‌ها به ترتیب چهل و دومین، پنجاه و هفتمین و هشتاد و پنجمین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲ش، ۳۴۶).

اولین آیه از آیات مکی که از مشتقات جهاد در آن به کار رفته، آیه جهاد کبیر است: «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲). مفسران برای جهاد در این آیه معنای مجاهده با زبان (بلخی، ۱۳۸۰ش، ۳۳۹) را در نظر گرفته‌اند که از این تعبیر،

معنای مبارزه و مقابله فهمیده می‌شود؛ چراکه مجاهده با زبان، به مفهوم ایستادگی در برابر دشمن و بیان اعتقادات خویش است. سه آیه مکی نیز معنای اصرار، تلاش، کار و کوشش را برای جهاد در خود جای داده‌اند:

مجاهده در آیه «وَمَنْ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ» (عنکبوت، ۶) به معنای کار و کوشش، (بلخی، ۱۳۸۰ش، ۳۳۹) ایمان و عمل صالح (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۰۳/۱۶) و جهاد با نفس (همان، ۱۰۷/۱۶) آمده است. مفسران، جهاد را در آیه «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (عنکبوت، ۸) به معنای به‌کارگرفتن نهایت تلاش، کوشش و اصرار (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲۱۶/۱۶) و در آیه «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (لقمان، ۱۵) به معنای اصرار (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۱۶/۱۶) و اجبار (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ۲۸۹/۱۵) دانسته‌اند.

مفسران معنای جهاد را در پنجمین آیه مکی «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹)، جامع انواع معانی آن دانسته‌اند و به هرگونه تلاشی که در راه خدا و به منظور وصول به اهداف الهی صورت گیرد، معنا کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ۲۲۶/۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۴۵۸/۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵۱/۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۳۴۹/۱۶).

نتیجه بررسی آیات پنج‌گانه فوق آن است که مراد از جهاد در آیات مکی جهاد نظامی نیست؛ بلکه هرگونه کوشش و مبارزه منظور است؛ این نتیجه‌گیری را مضامین مندرج در سوره نساء نیز تأیید می‌کند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ

يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْأَ أَخْرَجْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ» (نساء، ۷۷). به تصریح مفسران، بخش اول آیه که دست نگه داشتن از جنگ را به مسلمانان یادآوری می‌کند، به دوران حضور در مکه و بخش دوم آیه که صدور دستور جنگ را بیان داشته، به دوره حضور در مدینه اشاره دارد (طوسی، بی تا، ۲۶۱/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۱۹/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۶/۴-۱۷)؛ ضمن اینکه بر اساس آموزه‌های سوره کافرون (هجدهمین سوره نازل شده) که حالت احتجاج میان پیامبر صلی الله علیه و آله و مشرکان دارد یا آیه ۱۰ از سوره مزمل (سومین سوره نازل شده) که دستور به صبر داده «وَأَصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»، لزوم خودداری از برخوردهای نظامی در مکه فهمیده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۶۴/۲-۶۶).

۲-۳. تشریح جهاد غیرنظامی

با توجه به مطالب پیشین، باید گفت اولین آیه‌ای که امر به جهاد در آن وجود دارد و می‌توان آن را به عنوان آیه تشریح جهاد غیر نظامی در نظر گرفت، همان آیه ۵۲ سوره فرقان است که در مکه نازل شد؛ اما چنانچه صرفاً رفتار غیر نظامی مد نظر باشد، می‌توان تشریح جهاد غیر نظامی را به ابتدای رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و هم‌زمان با نزول سوره مزمل بازگشت داد، هنگامی که به حضرت دستور صبر داده شد (مزمل، ۱۰) و پس از آن در سوره کافرون بر این روش تأکید شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۶۵/۲).

نتیجه اینکه در سال‌های ابتدایی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله با تعداد اندک نیروی انسانی مسلمان در مکه و همچنین نوپایی دین اسلام، از آنجا که امید به

هدایت مردم با استفاده از نیروی عقل و اندیشه وجود داشت، امکان شرکت در جنگ نظامی برای مسلمانان نبود؛ اما جهاد غیر نظامی بر آنان تکلیف شده بود.

۴. مرجع ضمیر در «به» در آیه جهاد کبیر

۴-۱. نظرات مشترک مفسران فریقین در تعیین مرجع ضمیر

برخی از منابع تفسیری فریقین، ضمیر در «به» را به استفاده از هر وسیله‌ای در انجام جهاد کبیر (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۱۵۰/۲) و هرگونه سلاح مادی یا عقلی (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ۸۴/۱۹) برگردانده‌اند.

عده‌ای از مفسران، مرجع ضمیر در کلمه «به» را وسایل جنگی، از جمله شمشیر دانسته‌اند (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش، ۸۰۳؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ۴۲/۷؛ ابوحنیان، ۱۴۲۰ق، ۱۱۷/۸)؛ در مقابل، دیگر مفسران به مکی بودن سوره فرقان، عدم نزول دستور جهاد نظامی در مکه و دور از ذهن بودن وجه مذکور اشاره کرده‌اند و آن نظر را مردود دانسته‌اند (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۹۴/۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۵۸/۱۳).

گروهی از مفسران فریقین، ضمن بیان احتمالات مختلف در تعیین مرجع ضمیر، دین و اسلام را نیز یکی از وجوه دانسته‌اند (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۹۴/۴؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ۴۸/۷) و معتقدند با برافراشتن پرچم اسلام می‌توان با کافران جهاد نمود. طبق این رأی، استفاده از اسلام در انجام جهاد کبیر می‌تواند به معنی پیروی از دستورات این دین مبین باشد که فرامین متعددی در نحوه برخورد با دشمنان را در خود جای داده است.

برخی از اقوال تفسیری فریقین، بازگشت ضمیر را به رسالت جهانی پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند؛ یعنی اگر بر اساس آیه ۵۱ سوره فرقان، در هر منطقه‌ای، یک پیامبر مبعوث می‌شد، آن پیامبر فقط در همان منطقه وظیفه انذار و مجاهدت داشت؛ اما اکنون که وظیفه فرامنطقه‌ای انذار همه مردم بر عهده ایشان گذاشته شده، پس همه نوع جهادی بر عهده ایشان است و جهاد کبیر و جامع نیز باید توسط

ایشان به کارگرفته شود (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ۵۷۹/۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۹۴/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۳/۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲۸۶/۳).

بر اساس تعداد زیادی از آرای تفسیری فریقین، ضمیر مذکور به قرآن کریم بازگشت دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲۷۳/۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۲۴۱/۱۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ۵۷۹/۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۲۸/۱۵؛ میدی، ۱۳۷۱، ۴۸/۷؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق، ۲۵۷۲/۵؛ ابن عاشور، بی‌تا، ۷۵/۱۹). استفاده از قرآن کریم برای انجام جهاد کبیر طبق این رأی به این معنا خواهد بود که به پشتوانه فرامین الهی این کتاب شریف، مسیر جهاد با دشمنان برای مسلمانان هموار شده است.

گروه دیگری از آرای تفسیری فریقین که حجم بالایی را دارد، مرجع ضمیر را عدم اطاعت از کافران می‌دانند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ۸۷۱/۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ۱۴۵/۳؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ۴۲/۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۳/۱۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ۷۸/۱۹). آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، ابتدا بازگشت ضمیر در «بِه» را به قرآن مطرح کردند، (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۳) سپس به فاصله زمانی اندکی از بیان این نظر، ضمن اشاره به این که واژه «قرآن» در آیه ذکر نشده، وجه اقرب به ذهن و اوضوحی را مطرح می‌نمایند که همانا مرجعیت مصدر «عدم الاطاعة» برای ضمیر «ها» است که «فَلَا تُطِيعُ» از آن مصدر انشقاق یافته و مستتر در آن فعل است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۶)؛ پس ایشان، بازگشت ضمیر «ها» به عدم پیروی از دشمن را نسبت به نظر دیگر ترجیح دادند و آن را قوی‌تر دانستند. عدم اطاعت از کافران در انجام جهاد کبیر چنین خواهد بود که با تمسک به این فرمان خداوند، مسلمانان با هرگونه خواسته ظاهری یا باطنی دشمنان مخالفت نمایند و از این طریق، راه سلطه آنان بر خود را مسدود نمایند.

۲-۴. نظر اختصاصی مفسران شیعه در تعیین مرجع ضمیر

در تفسیر بیان السعاده، شخص امام علی علیه السلام به عنوان مرجع ضمیر یا یکی از احتمالات در به کارگیری نیروها برای انجام جهاد کبیر معرفی شده است «و جاهدکم به بالقرآن أو ترک طاعتهم أو بعلی علیه السلام» (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ۱۴۵/۳). گنابادی معتقد است کافران در عبارت «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ» کسانی‌اند که به خدا یا نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله یا ولایت کافرند؛ پس جهاد با کافران به وسیله قرآن یا ترک اطاعت از کافران یا استمداد از امیر مؤمنان علیه السلام است؛ به عبارت دیگر، یکی از صورتهای کفر، مخالفت با ولایت و یکی از جنبه‌های جهاد با دشمنان، ولایت‌پذیری است. این رأی همچنین بر اساس حدیث نبوی «علی مع القرآن و القرآن معه لا یفترقان حتی یردأ علی الحوض» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴۶۰) تبیین می‌شود: با توجه به تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله بر جدایی‌ناپذیری امام علی علیه السلام و قرآن کریم، هرکدام که مرجع ضمیر فرض شوند، دیگری را نیز با خود به همراه دارد.

۳-۴. آرای اختصاصی مفسران اهل تسنن در تعیین مرجع ضمیر

برخی از مفسران اهل تسنن، «الله» را مرجع ضمیر دانسته‌اند و آن را به توفیق و مدد الهی در مبارزه با کافران معنا کرده‌اند (نسفی، ۱۴۱۶ق، ۳/۲۵۰؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ۷/۴۲)؛ همچنین پشتوانه الهی و دوری از یاری و قدرت غیر خدا راه جهاد کبیر دانسته شده که نتیجه آن، پشتیبانی خداوند از مجاهد است (قشیری، بی‌تا، ۶۴۱/۲). گروهی از مفسران از جمله زجاج، با توجه به آخرین کلمه آیه قبل (فرقان، ۵۱)، انذار را مرجع ضمیر دانسته‌اند (زجاج، ۱۴۲۰، ۵۶۴/۲).

۴-۴. نقد و بررسی

در میان این نظرات نه‌گانه، بازگرداندن ضمیر به ابزار جنگی، به دلیل عدم صدور فرمان جهاد نظامی در مکه مردود است؛ همچنین آرای که مرجع خاصی برای ضمیر، تعیین نکرده‌اند، قابل استفاده نیستند؛ چراکه این تفصیل، مسیر انجام جهاد کبیر را مسدود کرده و شفافیت نبخشیده است.

بر نظری که امام علی علیه السلام را مرجع ضمیر در «به» دانسته اشکالی وارد است: خطاب آیه در این حالت، فقط رسول خدا صلی الله علیه و آله است و فرازمانی و فرامکانی بودن دستورات زندگی بخش قرآن کریم مورد مناقشه قرار می‌گیرد؛ پس این رأی قابل پذیرش نیست؛ البته چنانچه معنای جهاد با کفار، ولایت‌پذیری فرض شود، بهره‌مندی از امام علی علیه السلام در انجام جهاد کبیر برای پیامبر صلی الله علیه و آله از شخص امام علیه السلام و برای اقوام پس از ایشان، پذیرش ولایت و حتی درک سیره معصومین علیه السلام و الگوپذیری از آنان می‌تواند مبنای جهاد کبیر با کافران قرار گیرد.

اشکالی که به تعیین رسالت جهانی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مرجع ضمیر «ها» وارد می‌شود این است که وظیفه رسالت با شهادت حضرت به پایان رسید؛ ضمن اینکه این وظیفه مختص ایشان بود و مسلمانان نقشی در آن نداشتند؛ همچنین این نظر با فرازمانی و فرامکانی بودن فرامین قرآن کریم، در تناقض است. درباره تعیین انذار به عنوان مرجع ضمیر، باید گفت ترساندن برای انجام جهاد با کافران به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه خشم گرفتن و شدت عمل با آنان نیز از اقداماتی است که برای مقابله لازم است؛ همچنین این نظر با سایر آموزه‌های قرآن کریم در نحوه برخورد با دشمنان و سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله مخالف است؛ پس نمی‌تواند مورد قبول واقع شود.

به گروهی از مفسران که خداوند و اسلام را مرجع ضمیر دانسته‌اند، باید گفت خداوند و یاری او در هر مسئله‌ای باید پشتیبان مسلمانان و جهادگران باشد و اسلام

نیز امری کلی است که فرامین آن در قرآن کریم آمده و به تنهایی نمی‌تواند مرجعیت انجام جهاد کبیر را داشته باشد.

با نقد و بررسی انجام‌شده، تنها دو نظر به عنوان مرجع ضمیر باقی ماند: یکی «قرآن کریم» و دیگری «عدم اطاعت از کافران». درباره مرجعیت بخشی به قرآن کریم به عنوان مرجع ضمیر «ها» باید گفت این کتاب شریف حاوی فرامین متعددی است که می‌تواند در جهاد کبیر به کار آید و راهکارهای آن از قرآن کریم قابل استخراج است. از سوی دیگر، با توجه به عطف بودن جمله «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» نسبت به جمله قبل از خود در آیه جهاد کبیر، (صافی، ۱۴۱۸ق، ۳۱/۱۹) مناسب است ضمیر را به نزدیک‌ترین امر ممکن که همان جمله «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ» است، بازگرداند. برخی از مفسران نیز این احتمال را ظاهر یا آشکارتر نسبت به احتمال ارجاع به قرآن مطرح کرده‌اند (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق، ۵/۱۵۵). در نتیجه «قرآن کریم» و «عدم اطاعت از کافران»، هر دو مرجع ضمیر هستند؛ جهاد کبیر بر مبنای قرآن کریم، با بهره‌گیری از فرمان‌های آن و رویکرد عدم اطاعت از کافران، عملیاتی می‌شود. این نتیجه‌گیری طبق قاعده «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» نیز تأیید می‌شود (رضایی اصفهانی، (الف) ۱۳۹۰ش، ۳۰۰-۳۰۴).

۵. جهاد کبیر

۱-۵. مراد از جهاد کبیر و نحوه انجام آن

از نظر مفسران فریقین، جهاد فکری و تبلیغاتی در برابر وسوسه‌های دشمنان حق با ارائه استدلال‌های منطقی و برهان‌های عقلی با هدف از بین بردن شبهات آنان از بزرگ‌ترین جهادها است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲۷۳/۷؛ دخیل، ۱۴۲۲ق، ۴۸۱؛

بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۱۲۸/۴؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ۲۲۷/۶؛ به همین دلیل از صفت «کبیراً» برای این نوع از جهاد استفاده شده است.

یکی از معانی ارائه‌شده برای جهاد کبیر، خشم گرفتن بر دشمنان (طنطاوی، بی‌تا، ۲۰۹/۱۰) و جنگ نظامی با آنان (کاشانی، ۱۳۳۶، ۳۶۵/۶؛ میدی و آموزگار، ۱۳۵۲، ۱۴۱/۲) است؛ اما به دلیل نزول این سوره در مکه، معنای جنگ نظامی دور از ذهن است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۴۷۴/۲۴)؛ البته برخی از مفسران شیعی جنگ نظامی را به عنوان آخرین راه مقابله با دشمنان در نظر گرفته‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ۳۶۴)؛ اما این رویکرد با تعریف جهاد کبیر و قالب نرم‌افزاری آن، مخالف است و نمی‌توان آن را پذیرفت.

در میان معانی جهاد کبیر به تحمل رنج‌ها، سختی‌های رسالت و تبلیغ و صبر بر مشکلات، مصیبت‌ها و آزارها (جوادی آملی، جلسه ۲۱ از تفسیر سوره فرقان؛ خطیب، بی‌تا، ۴۱/۱۰) اشاره شده است که مفسران شیعی گاهی آن را در کنار اقامه حجت‌ها و برهان‌ها (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۴۱۵/۲؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ۳۶۳/۴) آورده‌اند، یعنی در انجام جهاد کبیر باید بر مشکلات صبر کرد و براهین را نیز ارائه نمود.

برخی از مفسران فریقین جلالت شأن این جهاد را نزد خداوند، دلیل نام‌گذاری جهاد کبیر به این نام دانسته‌اند (دخیل، ۱۴۲۲ق، ۴۸۱؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ۱۰۸/۴). مفسران اهل تسنن نیز به تبیین عظمت این جهاد نزد خداوند پرداخته‌اند که صبر در این مسیر، آن عظمت را نمایان‌تر می‌سازد (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ۱۰۸/۴). برخی نیز صبر و تحمل در این راه را در لباس دوری از ناامیدی و ترک تبلیغ دیده‌اند (آل سعدی، ۱۴۰۸ق، ۶۹۲).

استفاده از عنصر زبان، انجام گفت‌وگو، ارائه استدلال و احتجاج، پاسخ به شبهات و مبارزه تبلیغاتی از جمله دیدگاه‌های مفسران در تبیین جهاد کبیر است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱۹/۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ۵۷۹/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق، ۱۲۲/۱۵؛ ابن‌ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق، ۷۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۱۲۸/۴). این مفسران

قائل‌اند که انجام جهاد کبیر به این شکل‌ها از انجام جهاد نظامی دشوارتر است. بعضی از مفسران شیعی معتقدند سیاق آیات، فقط به حجت‌آوری اکتفا نمی‌کند، بلکه تعبیر جهاد کبیر، استفاده از زبان و برهان را نیز شامل می‌شود (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۴۵۶/۸). گروهی از مفسران اهل تسنن نیز معتقدند در کنار استفاده از زبان، باید از ابزارهای دیگر نیز استفاده کرد (مظهری، ۱۴۱۲ق، ۴۲/۷). در برخی تفاسیر آمده مراد الهی از «فَلَا تُطِعْ» آن است که دشمنان در ابطال حق که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می‌شود، اجتهاد می‌کنند، پس خداوند به حضرت دستور می‌دهد که در مقابل آنان باطل را با اجتهاد خویش نابود نماید و در این مسیر مجاهده کند (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ۳۶۵/۶؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ۳۶۹).

عده‌ای از مفسران شیعی، تلاوت آیات قرآن کریم و رساندن آنها را به گوش کافران (مغنیه، ۱۴۲۴، ۴۷۵/۵ - ۴۷۶؛ قرشی، ۱۳۷۷، ۳۰۵/۷) و برخی نیز آموزش و نشر کتاب و حکمت الهی (جوادی آملی، جلسه ۲۰ از تفسیر سوره فرقان) را به معنای جهاد کبیر آورده‌اند.

در میان مفسران اهل تسنن، تلاش در راه مخالفت با کافران و دعوت آنان به تسلیم شدن در برابر اوامر الهی (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۴۷۴/۲۴) و قطع تعلقات و دل‌کندن از غیر خدا به عنوان مراد از جهاد کبیر دیده می‌شود (حق‌ی بروسوی، بی‌تا، ۲۲۸/۶).

از میان آرای نه‌گانه بیان‌شده در خصوص نحوه انجام جهاد کبیر، جنگ نظامی، به دلیل عدم صدور فرمان جهاد نظامی در مکه، قابل پذیرش نیست. قرائت قرآن و تعلیم آن، همچنین دل‌کندن از غیر خدا نظراتی است که راه روشنی در نحوه انجام جهاد کبیر پیش روی جهادگران قرار نمی‌دهد؛ بلکه فقط رفتار جهادگران را مشخص می‌نماید؛ اما سایر آرای تفسیری می‌تواند شیوه انجام جهاد کبیر بر مبنای مخالفت با کافران را بیاموزد.

۲-۵. ویژگی‌های جهاد کبیر

در کتب تفسیری فریقین برخی از مطالبی که در شرح واژه «کبیراً» آمده، می‌تواند در قالب ویژگی‌های جهاد کبیر و مقتضیات آن دسته‌بندی شود؛ از جمله معانی که برای واژه «کبیراً» بیان شده، عبارت «شدیداً» است (طوسی، بی‌تا، ۴۹۸/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۷۳/۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۴۵۲/۳؛ مراغی، بی‌تا، ۲۶/۱۹) که می‌توان از آن به سرسختی در انجام جهاد و شدت عمل در آن تعبیر نمود؛ بر همین اساس عبارت «شدیداً» این معنا را می‌رساند که جهاد کبیر به لحاظ کیفیت و کمیت، باید با انجام تبلیغات و فعالیت‌های زیاد صورت پذیرد.

رای برخی از مفسران فریقین بر آن است که تلاش حداکثری، استفاده از انواع ابزارها و نیروها و انجام اقدامات مختلف، برای اقدام به جهاد کبیر لازم است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۲۹/۱۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۴۵۶/۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۴۷۴/۲۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲۸۶/۳؛ نووی، ۱۴۱۷ق، ۱۳۶/۲). مفسران اهل تسنن، استفاده از صیغه مبالغه برای امر به جهاد را مفید این مطلب دانسته‌اند که در جهاد کبیر نباید ضعف نشان داد (ابن‌عاشور، بی‌تا، ۷۴/۱۹).

در تفاسیر، بزرگی جهاد کبیر را در ابعاد مختلف از جمله گستره مکانی و برای همه مردم دنیا و نه صرفاً مردم مکه (شبر، ۱۴۰۷ق، ۳۶۳/۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ۱۱۷/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۲/۱۰) یا گستره زمانی و برای همه زمان‌ها و نه فقط در زمان نزول وحی (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۳۲۴/۲۱) دانسته‌اند. به عبارت دیگر، جهاد کبیر، جهادی بزرگ به عظمت رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و به عظمت جهاد همه پیامبران است که تمام ابعاد روح و فکر مردم را در بر می‌گیرد و جنبه‌های مادی و معنوی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۲۲/۱۵).

نتیجه آن که جهاد کبیر در هر عرصه‌ای به جز نبرد نظامی قابل گسترش است. در کتب تفسیری نیز به ابعاد فرهنگی، (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش (الف)، ۴۵۲/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲۲/۱۵) سیاسی، (مدرسی، ۱۴۱۹، ۴۵۶/۸) اقتصادی، (همان)

تبلیغاتی، (مکارم شیرازی، همان) عقیدتی (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۷۳/۷؛ مکارم شیرازی، همان) و علمی (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۲۹۹/۸) در این جهاد اشاره شده است.

۳-۵. اشتراک‌ها و تفاوت‌های فریقین در تفسیر آیه جهاد کبیر

با ملاحظه جدول شماره ۱ می‌توان به نظرات مشترک مفسران فریقین در تفسیر آیه جهاد کبیر پی برد:

مباحث و مفاهیم		آرای مشترک مفسران شیعه و اهل تسنن
مرجع ضمیر در «به»		اسلام
		عدم انحصار در مورد خاص
		ابزار جنگی
		قرآن کریم
		عدم اطاعت از کافران
		رسالت جهانی پیامبر اکرم(ص)
جهاد کبیر	مراد از جهاد کبیر و نحوه انجام آن	سرسختی و پرهیز از کوتاه آمدن
		ثبات قدم و استقامت در دین
		صبر و تحمل
		قتال و جنگ نظامی
		استدلال و اجتهاد و احتجاج
	ویژگی‌های جهاد کبیر	تلاش حداکثری و استفاده از همه امکانات
		استمرار و خستگی‌ناپذیری

جدول شماره ۱ - نظرات مشترک مفسران فریقین در آیه جهاد کبیر

در جدول شماره ۲ که وظیفه بیان تفاوت نظرات تفسیری فریقین را در خصوص آیه جهاد کبیر بر عهده دارد، نظراتی که هم‌خوان هستند در مقابل یکدیگر آمده و در صورتی که یکی از فریقین نظری خاص داشته که گروه دیگر متعرض آن نشده، این مسئله با خط تیره مشخص شده است:

مباحث و مفاهیم	مفسران شیعه	مفسران اهل تسنن
مرجع ضمیر در «به»	امام علی (ع)	-
	-	انذار
	-	خداوند و یاری الهی
جهاد کبیر	مراد از جهاد کبیر و نحوه انجام آن	قرائت قرآن کریم و تعلیم آن
	-	مخالفت با کافران و دعوت آنان به راه راست
	-	دل‌کندن از غیر خدا
	ویژگی‌های جهاد کبیر	توجه به گستردگی مکان، زمان و مخاطب
		توجه به گستردگی مکان

جدول شماره ۲ - تفاوت‌های نظرات مفسران فریقین در آیه جهاد کبیر

چنانچه ملاحظه می‌شود تفاوت‌های جزئی در آرای تفسیری فریقین وجود دارد که اختلاف معنادار و مبنایی میان آنان نیست؛ بلکه می‌توان نظرات آنها مؤید یا مکمل یکدیگر در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این مقاله گذشت، موارد ذیل بر اساس «تفسیر تطبیقی آیه جهاد کبیر» نتیجه گرفته می‌شود:

۱. مفسران فریقین در تفسیر آیه جهاد کبیر، تفاوت دیدگاه خاصی ندارند و نظراتشان مکمل یکدیگر است.

۲. منظور از کافر در آیه جهاد کبیر، به معنای کلی «دشمن فعال علیه منافع جامعه اسلامی» در هر دوره و زمان است.

۳. جهاد در آیات مکی به دو معنای «مبارزه و مقابله با زبان» و «اصرار و کوشش» به کار رفته است. پس در آیات مکی، جهاد نظامی مراد نیست.

۴. مرجع ضمیر «به» در آیه جهاد کبیر، «قرآن کریم» و «عدم اطاعت از کافران» است.

۵. جهاد کبیر، جهاد فکری و تبلیغاتی در برابر دشمنان حق با ارائه استدلال‌های منطقی با هدف از بین بردن شبهات آنان است که از بزرگ‌ترین جهادها و نزد خداوند، دارای عظمت و جلالت شأن است.
۶. نحوه انجام جهاد کبیر در تفاسیر فریقین چنین ترسیم شده است: صبر و تحمل، سرسختی و پرهیز از کوتاه آمدن، استدلال و احتجاج، مخالفت با کافران و دعوت آنان به راه راست.
۷. ویژگی‌هایی که برای جهاد کبیر برشمرده‌اند عبارت است از: تلاش حداکثری و استفاده از همه امکانات، استمرار و خستگی‌ناپذیری، توجه به گستردگی مکان، زمان و مخاطب.

منابع

کتاب‌ها

• قرآن کریم.

۱. ابن‌ابی‌زمین، محمد بن عبدالله، ۱۴۲۴ق، **تفسیر ابن‌ابی‌زمین**، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۲. ابن‌اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، **النهایه فی غریب الحدیث والأثر**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۳. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، **تحف‌العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۴. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، بی‌تا، **التحریر والتنویر**، بیروت: مؤسسه التاریخ، چاپ اول.
۵. ابن‌عجیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ق، **البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید**، تحقیق: احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره: دکتر حسن عباس زکی، چاپ اول.
۶. ابن‌فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۷. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.

۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، **روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۹. ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، **البحر المحیط فی التفسیر**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۱۰. انصاریان، حسین، بی‌تا، **تفسیر حکیم**، قم: دارالعرفان، چاپ اول.
۱۱. آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، ۱۴۰۸ق، **تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان**، بیروت: مکتبه النهضه العربیه، چاپ دوم.
۱۲. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی**، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۴. بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۳۸۰ش، **الاشباه والنظائر فی القرآن الکریم (کلمات مشترک و هم‌معنا در قرآن کریم)**، ترجمه: سید محمد روحانی و محمد علوی مقدم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۵. بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۲ش، **تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فواید**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۱۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، **أنوار التنزیل وأسرار التأویل**، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم: دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم.
۱۸. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق، ۱۴۲۲ق، **الکشف والبیان عن تفسیر القرآن**، تحقیق: ابومحمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، **ادب فنای مقربان**، تحقیق: محمد صفایی، قم: اسراء، چاپ اول.

۲۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵ش، **سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن**، ج ۸، تحقیق: حسین شفیعی، قم: اسراء، چاپ پنجم.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، (الف) **تسنیم**، ج ۶ تحقیق: حسن واعظی محمدی، قم: اسراء، چاپ هشتم.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، (ب) **سیره پیامبران در قرآن**، ج ۶ تحقیق: علی اسلامی، قم: اسراء، چاپ پنجم.
۲۳. حقی بروسوی، اسماعیل، بی تا، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۲۴. خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۸۱ش، **دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی**، تهران: دوستان و ناهید، چاپ دوم.
۲۵. خطیب، عبدالکریم، بی تا، **التفسیر القرآن للقرآن**، بیروت: دارالفکر العربی چاپ اول.
۲۶. دخیل، علی بن محمدعلی، ۱۴۲۲ق، **الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، **مفردات الفاظ قرآن**، تهران: چاپ دوم.
۲۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷ش، **تفسیر قرآن مهر**، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، چاپ اول.
۲۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۰ش، (الف) **منطق تفسیر قرآن (مبانی و قواعد تفسیر قرآن)**، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، چاپ دوم.
۳۰. رضایی اصفهانی، (ب) محمدعلی، ۱۳۹۰، «**روش‌شناسی مطالعات تطبیقی در تفسیر قرآن**»، ویرایش سوم، نسخه موجود در نرم‌افزار مجموعه آثار مکتوب دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مرکز تحقیقات قرآن کریم، قم.
۳۱. زجاج، ابراهیم، ۱۴۲۰ق، **اعراب القرآن**، تحقیق: ابراهیم ایبازی، قاهره و بیروت: دارالکتاب المصری و دارالکتب اللبنانی، چاپ چهارم.
۳۲. زحیلی، وهب بن مصطفى، ۱۴۱۸ق، **التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج**، بیروت و دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم.
۳۳. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، **الکشاف**، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم.

۳۴. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۱۹ق، **ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
۳۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۰۶ق، **الجديد في تفسير القرآن المجيد**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
۳۶. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۱ق، **الإتقان في علوم القرآن**، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم.
۳۷. شاذلی، سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، **في ظلال القرآن**، بیروت و قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم.
۳۸. شبر، سیدعبدالله، ۱۴۱۲ق، **تفسير القرآن الكريم**، بیروت: دارالبلاغه للطباعة والنشر، چاپ اول.
۳۹. شبر، سیدعبدالله، ۱۴۰۷ق، **الجوهر الثمين في تفسير الكتاب المبين**، تحقیق: سیدمحمد بحرالعلوم، کویت: مکتبه الألفین، چاپ اول.
۴۰. شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ق، **فتح القدير**، دمشق و بیروت: دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب، چاپ اول.
۴۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، چاپ اول.
۴۲. صاحب، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، **المحیط فی اللغة**، بیروت: عالم‌الکتب، چاپ اول.
۴۳. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ق، **البلاغ في تفسير القرآن بالقرآن**، قم: مؤلف، چاپ اول.
۴۴. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵ش، **الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن والسنة**، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۴۵. صافی، محمود، ۱۴۱۸ق، **الجدول في اعراب القرآن**، دمشق و بیروت: دار الرشید و مؤسسه الایمان، چاپ چهارم.
۴۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، **الميزان في تفسير القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ پنجم.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع‌البیان في تفسير القرآن**، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم.

۴۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
۴۹. طنطاوی، سیدمحمد، بی تا، **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**، قاهره: دار نهضة مصر للطباعة والنشر، چاپ اول.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، **الأمالی**، قم: دار الثقافة، چاپ اول.
۵۲. طیب، سیدعبدالحسین، ۱۳۷۸ش، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۵۳. عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ق، **الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز**، تحقیق: مالک محمودی، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
۵۴. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۵۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۵۶. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۸ق، **الأصفی فی تفسیر القرآن**، تحقیق: محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۵۷. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم.
۵۸. فیضی دکنی، ابوالفضل، ۱۴۱۷ق، **سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملك العلام**، تحقیق: سیدمرتضی آیت الله زاده شیرازی، قم: دارالمنار، چاپ اول.
۵۹. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قم: مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم.
۶۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۶۱. قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۷ش، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم.
۶۲. قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ ششم.

۶۳. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
۶۴. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، بی‌تا، **لطائف الاشارات**، تحقیق: ابراهیم بسیونی، مصر: الیهیئة المصریة العامه للكتاب، چاپ سوم.
۶۵. کاشانی، ملافتح‌الله، ۱۳۳۶ش، **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی، چاپ سوم.
۶۶. کاشانی، ملافتح‌الله، ۱۴۲۳ق، **زبدۀ التفاسیر**، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول.
۶۷. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، ۱۳۶۹ش، **مواهب علیه**، تحقیق: سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال، چاپ اول.
۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.
۶۹. گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ق، **تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادۀ**، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۷۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۷۱. مدرسی، سیدمحمدتقی، ۱۴۱۹ق، **من هدی القرآن**، تهران: دار محبی الحسین، چاپ اول.
۷۲. مراغی، احمد بن مصطفی، بی‌تا، **تفسیر المراغی**، بیروت: دار احیاءالتراث العربی، چاپ اول.
۷۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، **جنگ و جهاد در قرآن**، تدوین و نگارش: محمدحسین اسکندری و محمدمه‌دی نادری قمی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
۷۴. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، بیروت و لندن و قاهره: دارالکتب العلمیة و مرکز نشر آثار علامه مصطفوی چاپ سوم.
۷۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵ش، **آشنایی با قرآن ۱ و ۲**، تهران: انتشارات صدرا، چاپ یازدهم، پاییز.
۷۶. مطهری، محمد ثناء‌الله، ۱۴۱۲ق، **التفسیر المظهری**، تحقیق: غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبه رشديه، چاپ اول.

۷۷. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۵ق، **التمهید فی علوم القرآن**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
۷۸. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، **تفسیر الکاشف**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۷۹. مغنیه، محمدجواد، بی تا، **التفسیر المبین**، قم: بنیاد بعثت چاپ سوم.
۸۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۸۱. منسوب به علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۰۶ق، **الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام**، مشهد: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول.
۸۲. میبدی، احمد بن محمد و آموزگار، حبیب‌الله، ۱۳۵۲ش، **خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید**، تهران: اقبال، چاپ دوم.
۸۳. میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ش، **کشف الأسرار و عدة الأبرار**، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
۸۴. نجارزادگان (محمدی)، فتح‌الله، ۱۳۸۳ش، **تفسیر تطبیقی**، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۸۵. نسفی، عبدالله بن احمد، ۱۴۱۶ق، **مدارک التنزیل و حقایق التاویل**، بیروت: دار النفائس، چاپ اول.
۸۶. نووی جاوی، محمد بن عمر، ۱۴۱۷ق، **مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید**، تحقیق: محمد أمين الصناوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۸۷. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۵ق، **الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز**، بیروت: دارالقلم، چاپ اول.

تارنماها

۸۸. جوادى آملی، عبدالله، تفسیر سوره فرقان در پایگاه بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء به نشانی: portal.esra.ir
۸۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۳ به نشانی:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172>

۹۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۶ به نشانی:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33198>

نرم افزارها

۹۱. قاموس النور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۱ش.
۹۲. کتابخانه دیجیتال اسراء.
۹۳. جامع تفاسیر نور ۲/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۹۴. جامع الاحادیث ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۹۵. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۹۶. مجموعه آثار مکتوب دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مرکز تحقیقات قرآن کریم، قم: ۱۳۹۰ش.